

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Political

سیاسی

والنتین کاتاسانوف\* - (Valentin Katasonov)

برگردان از: ا. م. شیری

۱۸ می ۲۰۱۹

## برخی دستاوردهای صنعتی کردن اتحاد شوروی

مقاله چهارم از سلسله مقالات بررسی معجزه صنعتی کردن اتحاد شوروی جهت اطلاع آن دسته از اقتصاددانان کذاب که تصور می‌کنند کسب استقلال اقتصادی ممکن نیست و توه اقتصادی فقط در شرایط وابستگی به جهان امپریالیستی امکان پذیر است.

\*\*\*\*\*

در مورد نتایج و دستاوردهای صنعتی کردن اتحاد شوروی من به شکل کلی نوشتم. دو هدف اصلی تعیین شده در ابتدای صنعتی کردن که با شروع جنگ متوقف گردید، تحقق یافت:

۱- اتحاد شوروی استقلال اقتصادی کسب کرد و خودکفائی اقتصادی مصونیت آن از آسیب‌های محاصره تجاری و مالی غرب را تأمین نمود؛

۲- کشور موفق شد صنایع دفاعی قدرتمند خود را ایجاد نموده، برای مقابله با تهاجم اجتناب‌ناپذیر المان فاشیستی آماده شود.

آنچه را که با اقتصاد کشور از آغاز سال ۱۹۲۹ تا ۲۲ جون سال ۱۹۴۱ (در مدت دوازده و نیم سال) اتفاق افتاد، می‌توان دگرگونی کامل یا معجزه نامید. پایه‌های مادی - فنی صنایع که در سالهای صنعتی کردن تقریباً از صفر ایجاد گردید، در نیمه دوم سالهای ۱۹۳۰ اتحاد شوروی را از منظر اکثر تولیدات صنعتی به جایگاه دوم در جهان (پس از امریکا) رساند. این موفقیت بزرگ به لطف بسیج اقتصادی بی‌سابقه داخلی به دست آمد: نرخ انباشت (سهم محصول ناخالص اجتماعی که برای ایجاد بنیانهای تولیدی صرف می‌شد)، بنا به برخی ارزیابی‌ها، به بیش از ۵۰ درصد تولید ناخالص ملی رسید (برای مقایسه: این نرخ، امروز در روسیه، طبق اعلام سازمان آمار دولت فدرال، از ۲۰ درصد تجاوز نمی‌کند).

بسیج اقتصادی رفاه مردم را تحت تأثیر قرار داد. موجب کمبود خواربار گردید. در سالهای نخستین برنامه پنج ساله مواد غذایی کوپنی شد. تا اواسط سالهای ۱۹۳۰ تأمین خواربار بهبود یافت، در سال ۱۹۳۵ کوپن لغو گردید. نارضایتی خلق از میان رفت - تبلیغات شوروی موفق شد توده‌ها را متقاعد سازد، که تحقق اهداف صنعتی کردن - در شرایط تهاجم قریب‌الوقوع غرب، مسأله زندگی و مرگ است.

در پایان سالهای ۱۹۳۰ - آغاز سالهای ۱۹۴۰ شدت بسیج در اقتصاد (نه در ارتش) تا حدودی کاهش یافت، بازار مصرف از کالاهای مصرفی پر شد. تاریخ‌نگار معاصر، دمیترو و رخاتوروف، اوضاع اجتماعی سالهای صنعتی کردن را اینگونه توصیف می‌کند: "با وجود همه آن که گاهی خلق با حزب به مخالفت برمی‌خاست، و جامعه اتحاد شوروی بارها در آستانه جنگ مسلحانه قرار گرفت، اما ساخت و سازها خلق را جذب می‌کرد. کاری که میلیون‌ها برابر از توان دست‌ان خود فراتر است، به هوشمندی، درایت و توانایی فوق‌العاده نیاز دارد که بتواند مجذوب سازد و تضادها را به اولویت ثانوی بدل نماید. در تمامی ساخت و سازهای بزرگ، بدون استثناء، شور و شوق کاری توده‌های کارگری به تدریج فزونی می‌گرفت، رکوردهای کاری و دست‌آوردهای برجسته ثبت می‌کرد" (دمیترو و رخاتوروف. ستالین علیه رکود بزرگ. سیاست ضد بحران اتحاد شوروی. مسکو، یازا؛ اسکمو، ۲۰۰۹، ص ۷). در سال ۱۹۳۰ احداث در حدود ۱۵۰۰ مؤسسه آغاز گردید، که ۵۰ مورد از آنها تقریباً نیمی از همه سرمایه‌گذاران را بلعید. یکسری تأسیسات حمل و نقل و صنعتی عظیم، از جمله، بزرگراه ترکستان-سیبری، نیروگاه برق آبی دنپر، کارخانه‌های نوب‌آهن ماگنیتاگورسک، لپتسک، چلیابینسک، نوواکوزنتسک، ناریلسک، و همچنین ماشین‌سازی اورال، کارخانه‌های تراکتورسازی ستالینگراد، چلیابینسک، خارکوف، واگون سازی اورال، کارخانه‌های اتوموبیل‌سازی گورکی، زیس (بعدها زیل) و بسیاری دیگر راه‌اندازی گردید.

در فاصله سالهای ۱۹۲۹ - ۱۹۳۹ در حدود ۹ هزار مؤسسه احداث شد، تعداد زیادی از کارخانه‌های قبلی بازسازی شدند. مجموعه واحد اقتصاد خلقی شکل گرفت، صنایع دفاعی راه‌اندازی شد، تعداد زیادی مؤسسات مشابه در مائورای اورال احداث گردید، اقتصاد به طور کامل بر منابع داخلی متکی بود و الی آخر. در همین حال، اقتصاد در بدهی خارجی غوطه‌ور نشد. اضافه بر این، اتحاد شوروی موفق شد ذخیره طلای خود را (به عنوان ذخیره ستراتیژیک) به بیش از ۲۰۰۰ تن برساند. این میزان طلا بیش از ذخیره طلای امپراتوری روسیه در آستانه جنگ جهانی اول بود (ذخیره رسمی در سال ۱۹۱۳، ۱۲۳۳ تن بود).

در اینجا چند رقمی را به منظور ارائه تصویر روشن از جهش صنعتی اتحاد شوروی ذکر می‌کنم: در سال ۱۹۴۰ در قیاس با سال ۱۹۱۳، تولید ناخالص صنعتی - ۱۲ برابر، تولید برق - ۲۴ برابر، استخراج نفت - ۳، تولید چدن - ۳ و نیم، فولاد - ۴ و ۳ دهم، ساخت همه انواع دستگاه - ۳۵ برابر، از جمله، دستگاه‌های آهن‌بری - ۳۲ برابر افزایش یافت.

معجزه اقتصادی صنعتی کردن با معجزه نظامی پیروزی اتحاد جماهیر سوسیالیستی شوروی بر المان فاشیستی و متحدان آن تکمیل گردید. این مدل اقتصادی به قدری قابل دوام بود، که اتحاد شوروی پس از آغاز جنگ ادامه ساخت بسیاری از انواع تسلیحات و تانک را گسترش داد. به بعضی از عقب‌ماندگی‌ها از المان در این عرصه تا سال ۱۹۴۲ غلبه کرد و در سال ۱۹۴۳ ما در همه تسلیحات اصلی به برتری دست یافتیم. پدیده بی‌سابقه‌ای در بخش صنایع نظامی اتحاد شوروی مانند کاهش هزینه تولید در سالهای جنگ و به تبع آن، کاهش قیمت تولیدات نظامی مشاهده شد. و این، در متن آن اتفاق افتاد، که هزینه‌ها و قیمت‌های کالاهای مشابه در کشورهای متحد اتحاد شوروی (امریکا و بریتانیا) افزایش یافت: انحصارات سرمایه‌داری به ثروت‌اندوزی بر اساس سفارشات نظامی، به ویژه، هنگام جنگ عادت کرده‌اند.

ساختار اقتصادی اتحاد شوروی جان سالم به دربرد، برای نخستین بار طی دو سال (سالهای ۱۹۴۱ - ۱۹۴۳) بودجه دولتی اتحاد شوروی با کسری مواجه شد، اما در دو سال آخر جنگ و سالهای بازسازی با مازاد توأم گردید. اتحاد شوروی حتی در سالهای جنگ برای رفتن به زیر بار هیچ‌گونه بدهی خارجی بزرگ مجبور نشد. این در حالی بود،

که کشورهای غربی با کسری‌های هنگفت بودجه، تورم، افزایش رو به تزاید بدهی‌های دولتی دست و پنجه نرم می‌کردند! کسری بودجه فدرال ایالات متحده آمریکا در سالهای جنگ بشدت افزایش یافت و بدهی دولتی آن در سال ۱۹۴۶ به ۱۲۰ درصد تولید ناخالص داخلی رسید. قیمت کالاهای مصرفی در اتحاد شوروی به طور متعادل افزایش می‌یافت. البته، سطح زندگی مردم رو به کاهش گذاشت، اما، مانند سایر کشورهای در حال جنگ، خلق را با جیره‌بندی (کوپی کردن) از گرسنگی نجات داد.

مدل اقتصادی ایجاد شده در سالهای صنعتی کردن سبب وقوع یک معجزه دیگر - بازسازی سریع کشور پس از جنگ گردید. ویرانی‌ها و خسارات وارده در مناطق اشغال شده دهشتناک بود. ۱۷۱۰ شهر بزرگ و کوچک (۶۰ درصد از جمع کل)، بیش از ۷۰ هزار آبادی و روستا، در حدود ۳۲ هزار مؤسسه تولیدی در نتیجه عملیات جنگی و اشغال در سالهای جنگ کبیر میهنی به طور کامل یا قسماً ویران شده بود. اشغالگران ۶۰ درصد از ظرفیت تولید فولاد، ۷۰ درصد استخراج زغال، ۴۰ درصد استخراج نفت و گاز، ۶۵ هزار کیلومتر راه‌آهن را نابود ساخته، اموال و دارائی ۲۵ میلیون انسان را از بین بردند. متجاوزان به کشاورزی اتحاد شوروی خسارات فوق‌العاده عظیم وارد آوردند. ۱۰۰ هزار کالخور و سافخور توسط اشغالگران از بین برده شد، ۷ میلیون رأس اسب، ۱۷ میلیون رأس گاو و گاومیش، ۲۰ میلیون رأس خوک، ۲۷ میلیون رأس گوسفند و بز را سر بریدند یا به المان انتقال دادند. در سالهای جنگ کشور تقریباً از یک سوم ثروتهای ملی خود محروم گردید. هیچ اقتصاد دیگری نمی‌توانست تاب تحمل چنین تلفات سنگینی را داشته باشد. با این وجود، کشور از خاکستر خود سربلند به پا خاست.

اکثریت شاخصهای اقتصادی اتحاد شوروی در سال ۱۹۴۸ به سطح سال پیش از شروع جنگ رسید. ما برای آغاز بازسازی به انتظار پایان جنگ ننشستیم و آن را در زمان جنگ شروع کردیم. در روند بازسازی رویکرد کاملاً نوین، که تا آن وقت هیچ کشوری استفاده نکرده بود، به کار بسته شد. کمیته برنامه‌ریزی شورای وزیران اتحاد شوروی با توجه به تحولات سریع اوضاع در جبهه‌ها به برنامه‌ریزی سه ماهه و مخصوصاً برنامه یک ماه دست زد. بازسازی دقیقاً از پشت ارتش رزمنده آغاز گردید. کار بازسازی درست مناطق نزدیک به خط مقدم را در برگرفت، این نه فقط باعث تسریع احیای اقتصاد ملی گردید، حتی در امر تأمین سریع و ارزان نیازمندی‌های خطوط مقدم نیز نقش مهمی ایفاء کرد.

در شرایط جنگ سرد اعلام شده علیه اتحاد شوروی در سال ۱۹۴۶، انتظار کمک از آمریکا بیجا بود. در همین حال، اتحاد شوروی پیش از کشورهای اروپائی که از کمکهای طرح مارشال بهره‌مند بودند، بازسازی شد. اضافه بر این، در نتیجه درایت ستالین ذخیره طلای کشور نه تنها حفظ، حتی اضافه شد. در سال ۱۹۵۳ مقدار آن به ۲۰۴۹ تن و ۸۰۰ کیلوگرم - به حداکثر میزان در تاریخ پس از جنگ اتحاد شوروی رسید.

نظام اقتصادی ایجاد شده در سالهای ۳۰، پس از جنگ به سرعت خود افزود. شهروندان نتایج این تسریع را احساس کردند. در پایان سال ۱۹۴۷ سهمیه‌بندی مواد غذایی لغو گردید (یادآور می‌شوم، که سهمیه‌بندی را انگلستان در سال ۱۹۵۳ لغو کرد). در فاصله سالهای ۱۹۴۸ - ۱۹۵۳ قیمت‌های خرده‌فروشی شش بار کاهش یافت. طی یک سال ۵۳ میلیارد روبل فقط از آخرین کاهش قیمت‌ها (اول اپریل سال ۱۹۵۳) در بخش بازرگانی دولتی عاید مردم گردید. چنین کاهشی نتیجه عمل سازوکار اقتصادی مقرون به صرفه بود، هزینه تولید سال به سال کاهش می‌یافت. بنا به گزارش کمیته برنامه‌ریزی شورای وزیران (اسناد برای استفاده خدمتی بتازگی منتشر شده است)، کاهش کلی هزینه سازوکار صرفه‌جویی اقتصادی در تولیدات صنعتی در برنامه پنج ساله چهارم (۱۹۴۶ - ۱۹۵۰) عبارت از ۱۷

درصد بود و کاهش بی‌سابقه هزینه تولید در تمام تاریخ اتحاد شوروی ۲۳ و ۳ دهم درصد در برنامه پنج ساله پنجم (۱۹۵۱-۱۹۵۵) مشاهده شد.

در همین حال، تولید کالاها و صنایع گروه آ (تولید ابزار تولید) و گروه ب (تولید کالاهای مصرفی) گسترش یافت. به عقیده برخی کارشناسان، عمل مکانیزم اقتصادی پیشین (اقتصاد ستالین) تا اواسط سالهای ۱۹۵۰، به گمان برخی‌های دیگر تا پایان دهه ۵۰ ادامه داشت. کارشناس مشهور تاریخ اقتصاد اتحاد شوروی گ. ای. خائین می‌نویسد: "سالهای ۱۹۵۱-۱۹۶۰ موفق‌ترین دوره توسعه اقتصادی اتحاد شوروی بود" (گ. ای. خائین، دینامیزم توسعه اقتصادی اتحاد جماهیر سوسیالیستی شوروی. نوواسپیرسک، ۱۹۹۱، ص ۱۸۴).

دینامیزم تولید ناخالص ملی اتحاد جماهیر سوسیالیستی شوروی و سایر کشورهای پیشرو جهان در سالهای ۱۹۵۱-۱۹۶۰ (به درصد در آغاز دوره، در مقیاس ۱۰۰)

کشور	۱۹۵۱-۱۹۵۵	۱۹۵۶-۱۹۶۰	۱۹۵۱-۱۹۶۰
اتحاد شوروی	۱۶۲	۱۵۱	۲۴۴
ایالات متحده امریکا	۱۲۴	۱۰۷	۱۳۳
بریتانیا	۱۱۵	۱۱۰	۱۲۷
فرانسه	۱۲۴	۱۲۷	۱۵۸
المان فدرال	۱۵۴	۱۴۱	۲۱۷
جاپان	۱۴۳	۱۷۷	۲۵۳

گ. ای. خائین، منبع فوق.

پویائی تولید ناخالص ملی اتحاد شوروی در بازه زمانی تمامی دوره ده ساله ۱۹۵۱-۱۹۶۰ در میان ۶ کشور پیشرو جهان، بعد از جاپان، در جایگاه دوم قرار می‌گرفت. ضمن این که فاصله بسیار کمی از جاپان داشت. همانطور که گ. ای. خائین بدرستی متذکر می‌شود، مقایسه با جاپان خیلی هم دقیق نیست. زیرا که اتحاد شوروی در اوایل سالهای ۱۹۵۰ بازسازی اقتصادی پس از جنگ را به پایان رساند، اما جاپان هنوز در فعال‌ترین فاز چنین بازسازی به سر می‌برد. در دوره بازسازی اقتصادی پساجنگ همیشه پویائی بالا نشان می‌دهند، برای این که محاسبات بر اساس شاخص‌های اقتصادی کم پایه انجام می‌گیرد. اگر فقط نیمه نخست سالهای ۱۹۵۰ را در نظر بگیریم، معلوم می‌شود، که آهنگ رشد تولید ناخالص اتحاد شوروی بالاترین جایگاه جهانی را به خود اختصاص می‌داد. فقط این واقعیت برتری اقتصاد ستالینی را ثابت می‌کند، با این که حتی هیچ گونه فرصت تجدید ساختار و انجام اصلاحات نیافت.

نیمه دوم سالهای ۱۹۵۰ آهنگ رشد تولید ناخالص ملی رو به کاهش نهاد. این نشانه آن بود، که از اواسط سالهای ۵۰ مدل اقتصاد ستالینی فرسوده شد؛ در آغاز سالهای ۶۰ فرسودگی ماهیت خطرناک گرفت.

کشورهائی مانند ایالات متحده امریکا و انگلستان به لحاظ نرخ رشد تولید ناخالص داخلی بیشترین عقب مانده‌ها از اتحاد شوروی بودند. اتحاد شوروی هنوز به برابری نظامی با امریکا و ناتو دست نیافته بود، اما فاصله کاهش پیدا کرده بود. اتحاد شوروی قدرت دفاعی خود را به سرعت گسترش داد. در سال ۱۹۴۹ نخستین بمب اتمی را آزمایش کرد، امریکا از انحصار سلاح هسته‌ای محروم گردید. در آغاز سالهای ۱۹۵۰ اتحاد شوروی قبل از امریکا بمب هیدروژنی ساخت. در سال ۱۹۵۳ ساخت تحت البحری‌های اتمی ممنوع گردید. در این دوره در دفاتر

طراحی اتحاد شوروی شکاری مافوق صوت، بمب افکن‌های جت و در سال ۱۹۵۵ در دفتر طراحی کارالیوف نخستین راکت بالستیک قاره‌پیما ساخته شد.

در ادبیات شناخته شده چنین نظری مطرح می‌شود، که توسعه پویای اقتصاد اتحاد شوروی در سالهای ۱۹۵۰ نتیجه عوامل کمی، مقدم بر همه، به حساب جلب نیروی کار اضافی به تولید بود. همچنان که سالهای ۱۹۳۰ میلیونها کارگر از روستاها برای مشارکت در ساخت و ساز به شهرها آمدند. اما اینطور نیست. بنا به ارزیابی گ. ای. خانین و سایر اقتصاددانان، فقط یک پنجم (۲۰ درصد) افزایش تولید ناخالص داخلی در سالهای ۵۰ به حساب جلب نیروی کار اضافی به دست آمد. به این ترتیب، ۸۰ درصد از افزایش آن محصول رشد بهره‌وری نیروی کار بود. این در حالی بود، که قبل از جنگ کمتر از نصف آن را تشکیل می‌داد. خودرو ساخته شده در سالهای ۳۰ (مدل اقتصاد ستالینی) به سرعت خود افزود.

اتحاد شوروی و ایالات متحده آمریکا تا آغاز سالهای ۱۹۵۰ دارای سلاح هسته‌ای بودند. احتمال درگیری نظامی مستقیم و اشینگتن و مسکو خیلی کم بود. رویارویی، قبل از همه، به شکل مسابقه دو نظام اقتصادی، احساس می‌شد. به نظر می‌رسید، مدل اقتصادی ستالین کمترین شانسی برای پیروزی آمریکا و متحدان آن در این مسابقه باقی نگذاشت. با این وجود، در نیمه دوم سالهای ۵۰ حوادث عجیب و غریبی در اقتصاد اتحاد شوروی اتفاق افتاد. در این باره، در نوشتار پایانی.

ادامه دارد ...

\*- پروفیسور، دکتر علوم اقتصادی، مدیر مرکز مطالعات اقتصادی "شاراپوف" روسیه، مشاور اقتصادی اسبق دبیر کل سازمان ملل متحد، پژوهشگر مسائل پشت صحنه

پیوندها:

<http://www.sovross.ru/articles/1840/43980>

<https://www.fondsk.ru/news/2019/05/14/sovetskaja-industrializacija-nekotorye-itogi-48181.html>

۲۷ اردیبهشت - ثور ۱۳۹۸